

شهادت؛ زینت آزادمردان

محرم امام‌حسین^(ع) از آن زمان هایی است که می‌تواند تمام زندگی یک فرد را تحت الشعاع خود قرار بدهد و مسیر زندگی افراد را عوض کند. کمااینکه در تاریخ، افراد بسیاری بوده‌اند که نسیم محرم امام‌حسین^(ع) شور دیگری را در آن‌ها زنده کرده و معنای زندگی برایشان عوض شده است.

بهترین خطبه‌وسخن در این باره، فرمایش وجوداقدس اباعبد...^(ع)در جریان کربلاست؛ آن زمان که حضرت به همراهان خود دستور دادند که نیت احرام حج را به احرام عمره، تبدیل کنند وپس از انجام اعمال عمره و خروج از احرام، قصد عراق کردند. در آن زمان بود که مردم گرد اباعبد...^(ع) را گرفتند و از حضرت سؤال کردند که چرا اعمال عرفه را انجام دادید اما ناگهان به قصد سفر، از احرام خارج می‌شوید و سؤالات متعدد مردم را حضرت پاسخ می‌ن‌دادند تا اینکه حسین بن علی^(ع) در کنار دیوار مسجد «تعمیم» ایستاند و خطبه خواندند و مردم را مخاطب قرار دادند و فرمودند: «حُطَّ الْمُؤْتِ عَلٰی وَلَدِ آدَمَ مُحَمَّدًا الْقَلَادَه عَلٰی جَبَدِ الْقَتَاهِ وَ مَا أَوْلَهُنٰی اِلٰی اَشْلَافِی اَشِیْائِی یَعْقُوبُ اِلٰی یُوشَعَ وَ خَیْرَی مَضَرَعٍ اَنَا لَاقِبُهُ کَاثِرُ بَاؤُصَالِی تُثَلِّطُهَا عَلٰنُ الْقُلُوتِ بَیْنَ الْاَنْوَابِیْسِ وَ کَرِبْلَاءُ مِنْ کَانَ بِاَدْلَاقِنَا مُهْجَتُهُ وَ مُوْطِنَا عَلٰی لِقَآءِ... نَفْسُهُ فَلِیَزِمَحِلَّ مَعْنَا فَاُنِّیْ رَاجِلٌ مُّضْبِحًا اِنْ شَاءَ... تعالی، یعنی همان‌طور که گردن‌بند بر گردن زن جوان زینت است، مرگ نیز برای جوانمرد آراه، زینت محسوب می‌شود و علاوه‌بر این، من نیز به دیدار پدرانم اشتیاقی به حد اشتیاق یعقوب به یوسف دارم و به همین دلیل، برای من شهادتی برگزیده شده است که به یقین به آن خواهیم رسید و در آن بدین امر اگر‌های بیابان، جایی میان نوایس و کربلا خواهند درید، بنابراین هرکه آماده است، مُهْجه خود را در راه ما نثار کند و هرکه برای لقای پرورگار آماده است، با ما همسپار شود». کلام حضرت در این خطبه، ظاهرش این است که فقط مردمی را مخاطب قرار می‌دهد که از امام‌حسین^(ع) درباره علت تصمیمشان سؤال می‌کردند اما شما مردم! عاشورای زنده هستید، نه عاشورای مرده و می‌دانید که حرکت حضرت سیدالشهدا^(ع) فقط مربوط به سال ۶۱ هجری نیست، بلکه از آن زمان، این نهضت آغاز شده است و تا پایان تاریخ بشری برقرار خواهد بود که آحاد انبای بشر را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید هر‌که می‌تواند از دنیا روی گردان شود، با ما بیاید. حسین بن علی(علیهما السلام) درواقع ما را خطاب قرار می‌دهند و می‌گویند ای ملتی که ۱۴۰۰ سال بعد انقلاب می‌کنید و پرچم اسلام را در این سرزمین به اهتزاز درمی‌آورید، اگر می‌خواهید به ما ملحق شوید، باید بذل مهجه کنید. سؤالی که اینجا پیش می‌آید، آن است که منظور از «مهجه» چیست؟ عرب به خون بسته‌ای که در بدن دارای کارکردی بسیار حیاتی است، مهجه می‌گوید؛ همان جریانی که اگر از بین برود، انسان دیگر نمی‌تواند زنده بماند و مقصود اباعبد...^(ع) آن است که فقط کسانی می‌توانند با ما همراه شوند که خود را برای مرگ آماده کنند، از دنیا و عزیزترین داشته‌های خود دل ببرند و از همه مظاهر دنیا چشم‌پوشی کنند، اما به همین ترتیب، اگر فردی نتواند چنین کاری کند، اباعبد...^(ع)، به او تکلیف می‌کنند که از میانه راه باز گردد. در زمان ما بسیاری از جوانان مؤمن هستند که حاضرند در مسیر حق جانبازی کنند. امام‌خمینی^(ع) نیز فرمود که خون‌شهادی ما در امتداد خون سرخ شهادی کربلاست. پس همچنان که مشخص است، امروز همین مسیر ادامه دارد و باید به پیروی از ولایت، آماده جانبازی در طریق حق و ولایت بود.

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد

تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بردار و بخوان

سفری به سوی ضریح

انتشارات سوره مهر در سال ۱۳۹۶ کتابی به نام «شش گوشه» را منتشر کرد. کتاب شش گوشه، روایت یک سفر است برای امری مهم. «هنوز از بهت اولیه تماس خارج نشده‌ام؛ اینکه باید رأس ساعت ۹ شب در محل کارگاه ساخت ضریح حاضر باشم و به سفر بروم. هنوز دختر کوچکم زینب را سیر ندیده‌ام. هنوز نتوانسته‌ام با علی نه‌ساله‌ام حرف‌های پدروپسری را خوب برزنم. هنوز.... اما باید به کربلا فکر کنم، به اینکه آنجا چه بنویسم، چگونه بنویسم. اتفاق نادری در تاریخ شیعه درحال رقم خوردن است؛ تعویض ضریح امام‌حسین^(ع)، اتفاقی که شاید تا قرن‌ها تکرار نشود. سرگردانم که چه باید‌کنم؛ البته‌می‌دانم که کربلا خودش مرکز نزول کلمات است. سراغ استاد میرباقری را می‌گیرم. موفق به دیدار حضوری‌اش نمی‌شوم. اما تلفنی صدایش را می‌شنوم. راهنمایی می‌خواهم و این‌گونه پاسخ می‌شنوم: خدا را شا‌کر باشید که توفیق عظیمی را برایتان رقم زده است. در سرزمین کربلا خودتان را بسپارید به احساس باطنی‌تان. کربلا سرزمین احساس است برای ما شیعیان. «موضوع درباره نصب ضریح شش گوشه امام حسین^(ع) است که‌حامد حجتی در باره‌اش نوشته و حمیدرضا آزادگان بازنویسی آن را به‌عهده داشته است. حامد حجتی پنجاه روز در کربلا حضور داشته و شاهد اتفاقی بوده است که شاید کمتر رخ بدهد. ضریح قدیمی به‌سختی، جمع و ضریح جدید با شور و شوق نصب می‌شود.

حجتی از درد ضریح قدیمی این‌گونه می‌گوید: «قطعات بزرگ را هم پارچه‌پیچ می‌کنند. این حرف ذوقی است، اما واقعا قطعات جان دارند. حالا که آن‌ها را جدا می‌کنند، درواقع جانشان را می‌گیرند و مردگان را فقط با کفن سفید به تاریخ می‌سپارند. این‌گونه است که این چوب‌ها را در پارچه سفید، کفن می‌کنند.» اگر می‌خواهید حال دلتان رنگ‌وبوی دیگری بگیرد، روایت‌مهدی قرظی با تیتیر «پنجره‌های تشنه» را هم بخوانید. مهدی قرظی همراه کاروان ضریح، شهر به شهر می‌رود و حس‌وحالی که مردم دارند و مواجهه‌اش‌ها با ضریح را روایت می‌کند. قرظی درباره کتاب می‌گوید: «پنجره‌های تشنه کتابی نیست که فقط خواننده می‌شود، بلکه سفری است معنوی و زیارتی است که باید با کلمات، لمسش کرد و اشک ریخت. درواقع پنجره‌های تشنه، دری است به‌سوی روشنایی».

روایت

دوستدار امام

من معتقدم یاران امام فقط آن ۷۲ تن نبودند که در عاشورا به شهادت رسیدند. فکری‌کم هم هر فردی که قبل و بعد عاشورا در راه امام‌حسین^(ع) قدمی برداشت، از لشکر اوست. گاهی به نقش خودم فکر می‌کنم و نقش‌هایی که هر فرد در طول تاریخ برای عاشورا داشته است. می‌روم، می‌گردم و درباره‌شان می‌خوانم. هر فردی برای پیدا کردن خودش، نیاز دارد بداند که چطور بعضی‌ها در تاریخ ماندگار شده‌اند.

مثلا زنانی که اسمشان ثبت شده است یا کسانی که در عاشورا تأثیرگذار بودند. اسم ماریه را می‌شنوم و درباره‌اش می‌خوانم؛ ماریه بنت‌سعد، ماریه، دختر «منقذ عبیدی معروف به عبیده بصریه»، یکی از زنان شیعه بصره بود که نامش در فهرست زنان کربلایی و یاری دهنده سیدالشهدا^(ع) ثبت شده است. او همسر و پسرش را در جنگ جمل از دست داده بود. خانواده‌اش در جنگ جمل، حضرت امّ‌جمل^(ع) را یاری دادند و خودش در بصره برای امام‌حسین^(ع) تبلیغ می‌کرد. خانه‌اش محل رفت‌وآمد شیعیان و تبلیغ بود. ماریه در کربلا نبود اما جزو دوستداران امام بود.

نامه‌های امام‌حسین^(ع) در خانه او به دست یارانش می‌رسید. او هرچه مال و ثروت داشت، برای تبلیغ اهل‌بیت^(ع) و نهضت عاشورا صرف کرد. دشمن از او می‌ترسید و وقتی این‌یاد از خطر او آگاه شد، دستور داد راه خانه‌اش را ببندند و جاسوسانی را آنجا قرار داد. یزیدبن نبیط بصری و دو پسرش، عبدا... و عبیدا... از کسانی بودند که در خانه ماریه از قیام امام‌حسین^(ع) باخبر شدند و به‌سمت حضرت حرکت کردند. «ادهم بن امیه» در خانه این شیرزن عرب تصمیم گرفت همراه «یزیدبن نبیط» از بصره به مکه برود و به امام‌حسین^(ع) ملحق شود و همگی در راه خدا و همراه امام به شهادت رسیدند. از ماریه که می‌خوانم، با همه شناخت اندکی که تاریخ از او به من می‌دهد، می‌فهمم حتما لازم نیست مرد باشی و شمشیربه‌دست در میدان بجنگی. لازم نیست حسرت بخوری که چرا در کربلا نبودی؛ می‌شود زن باشی تا هم همسرت را برای یاری حق به جبهه باطل بفرستی و هم فرزنت را.

می‌شود زن باشی و دشمن از حضورت بترسد؛ همچنان که از اندیشه ماریه می‌ترسید، از مذهبش، از احادیشی که از اهل‌بیت^(ع) نقل می‌کرد. از مال و ثروتی که بی‌هیچ دریغ در راه امام‌حسین^(ع) و تبلیغ قیام عاشورا چه قبل از آن و چه بعد از آن- خرج کرد.

شهرآورد

شهرآورد

۳شبهه
۱۳ مرداد ۱۳۹۳
۲۰مهر ۱۴۴۵
۲۰مهر ۱۴۴۵

۱۴

↓

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

مهر

حجت‌الاسلام والمسلمین رجالی‌تهرانی در گفت‌وگو با شهرآرا مطرح کرد:

سرّ عالم گیر شدن عاشورا در حیات تاریخ

آمنه مستقیمۃ!عاشورای حسینی نه‌فقط در حماسه و ایثار و عاطفه و احساس فصلی بی‌نظیر در کتاب تاریخ است، بلکه در بعد مانایی و جاودانگی و محصور نماندن در زمان و مکان و نژاد و آیینی خاص، نیز قیامی بی‌نظیر است؛ چنان که در طول قرن‌ها پس از وقوع، هنوز که هنوز است، ندای «هل من ناصر ینصرنی» سیدالشهدا^(ع) به گوش می‌رسد و آزادگان عالم را سوار بر کشتی نجات حسینی می‌کند. چرایی این فراگیر بودن قیام عاشورا، موضوعی است که در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا رجالی‌تهرانی، استاد حوزه و دانشگاه و صاحب‌اتاری همچون «تاریخ جامع زندگانی امام‌حسین^(ع)» و «سید جوانان اهل بهشت؛ امام حسن مجتبی^(ع)»، آن را بررسی کرده‌ایم.

قیام‌های ظلم‌ستیزانه و آزادی‌خواهانه و حق‌طلبانه در طول تاریخ فراوان‌اند اما هیچ‌یک جایگاه و عظمتی همچون عاشورا نیافته‌اند. چه ویژگی‌هایی در عاشورای اباعبد...^(ع) وجود دارد که آن را فراتاریخی و فرامذهبی کرده است؟

قیام حضرت سیدالشهدا^(ع) به اوصاف و ویژگی‌هایی آراسته است که آن را بی‌نظیر می‌کند، نخستین این ویژگی‌ها قیام‌لله (برای خدا) است، اینکه عاشورا در تاریخ، ابدی و جاودانه شده است، به‌دلیل آن است که حضرت سیدالشهدا^(ع) فقط و فقط برای رضای خدا عمل کردند و در قیام ایشان، مصلحت‌های شخصی و دنیایی و قدرت‌طلبی جای نداشت و صرفاً درصدد ادای تکلیف و انجام وظایف امامت بودند؛ قیام‌لله، حرکت‌ها و قیام‌ها را ماندگار و در تاریخ، اثرگذار می‌کند.

ویژگی دومی که قیام سیدالشهدا^(ع) را مانا و عالم‌گیر کرده، خلوص است. این اخلاص، رمز ماندگاری قیام عاشورا است. اخلاص خصیصه‌ای است که انسان با آن، هم خود و هم‌عملش، ماندگار می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، اخلاص مهم‌ترین افزودنی به‌عمل انسان است که آن را ماندگار می‌کند. امام‌حسین^(ع) در ابتدای قیام خود فرمودند: «من برای اصلاح امت جدم، رسول...^(ص)، خروج می‌کنم». این تصریح حضرت نشان می‌دهد که ایشان، قیام خود را برای رضای خدا و اقامه عدل و امربه‌معروف و نهی ازمنکر برپا کردند.

علاوه‌براین، رفتار امام‌حسین^(ع) سراسر اخلاص بود. هیچ قطعه‌ای از جورچین عاشورا یافت نمی‌شود که بدون اخلاص باشد و جملگی در اخلاص سیدالشهدا^(ع) ریشه دارد؛ اخلاصی که در تمام رفتار حضرت جلوه‌گری می‌کرد. یکی از مصادیق این جلوه‌گری در ماجرای شهادت حضرت‌علی‌اصغر^(ع) مشاهده می‌شود. وقتی حضرت سیدالشهدا^(ع) با شهادت آن طفل شیرخوار مواجه شدند، به درگاه الهی عرض کردند: «این مصیبت برای من حسین آسان است؛ چون در منظر خداست و خدا می‌داند و می‌بیند، این اوج اخلاص است یا زمانی که در گودال قتلگاه به زمین افتادند، بیان کردند: «الهی‌رضا پرضاک، این‌ها اوج جلوه‌های اخلاص است که عمل آدمی را جاودانه می‌کند. خدا جاودانه است و هرکاری برای او انجام شود، جاودان و باقی می‌ماند.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان حسین بن علی^(ع) با جریان یزید، هرگز دست‌آشتی نمی‌دهد؛ چون آزادگی اقتضای می‌کند که زیر بار ظلم و فساد نرویم؛ چه

این ظلم از جانب یزید در سال ۶۱ هجری باشد؛ چه از جانب یزیدیان امروز و آینده.

از دیگر شعارهای بین‌المللی و مقبول همه انسان‌ها در عاشورای حسینی، عزتمندی است، «هیْهَاتْ مِثْلَ الذَّلَّةِ، به‌عنوان شعار معروف حضرت اباعبد...^(ع)، ثابت می‌کند که انسان آزاده از ذلت

و خواری فرار می‌کند و فرودست نمی‌شود. مکتب حسین بن علی^(ع) مکتبی است که عزت را برای انسان‌ها به ارمان می‌آورد. این عزتمندی که در کرامت نفس آدمی ریشه دارد، کار را تا جایی

پیش می‌برد که انسان از بذل جان خود هم باکی ندارد و نمی‌هراسد؛ چنان‌که امام‌حسین^(ع) با ذلت، دست بیعت ندادند و در مسیر عزت‌طلبی تا پای جان ایستادگی کردند. امروز هم دنیا

تشنه چنین عزتی است.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان حسین بن علی^(ع) با جریان یزید، هرگز دست‌آشتی نمی‌دهد؛ چون آزادگی اقتضای می‌کند که زیر بار ظلم و فساد نرویم؛ چه

این ظلم از جانب یزید در سال ۶۱ هجری باشد؛ چه از جانب یزیدیان امروز و آینده.

از دیگر شعارهای بین‌المللی و مقبول همه انسان‌ها در عاشورای حسینی، عزتمندی است، «هیْهَاتْ مِثْلَ الذَّلَّةِ، به‌عنوان شعار معروف حضرت اباعبد...^(ع)، ثابت می‌کند که انسان آزاده از ذلت

و خواری فرار می‌کند و فرودست نمی‌شود. مکتب حسین بن علی^(ع) مکتبی است که عزت را برای انسان‌ها به ارمان می‌آورد. این عزتمندی که در کرامت نفس آدمی ریشه دارد، کار را تا جایی

پیش می‌برد که انسان از بذل جان خود هم باکی ندارد و نمی‌هراسد؛ چنان‌که امام‌حسین^(ع) با ذلت، دست بیعت ندادند و در مسیر عزت‌طلبی تا پای جان ایستادگی کردند. امروز هم دنیا

تشنه چنین عزتی است.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان حسین بن علی^(ع) با جریان یزید، هرگز دست‌آشتی نمی‌دهد؛ چون آزادگی اقتضای می‌کند که زیر بار ظلم و فساد نرویم؛ چه

این ظلم از جانب یزید در سال ۶۱ هجری باشد؛ چه از جانب یزیدیان امروز و آینده.

از دیگر شعارهای بین‌المللی و مقبول همه انسان‌ها در عاشورای حسینی، عزتمندی است، «هیْهَاتْ مِثْلَ الذَّلَّةِ، به‌عنوان شعار معروف حضرت اباعبد...^(ع)، ثابت می‌کند که انسان آزاده از ذلت

و خواری فرار می‌کند و فرودست نمی‌شود. مکتب حسین بن علی^(ع) مکتبی است که عزت را برای انسان‌ها به ارمان می‌آورد. این عزتمندی که در کرامت نفس آدمی ریشه دارد، کار را تا جایی

پیش می‌برد که انسان از بذل جان خود هم باکی ندارد و نمی‌هراسد؛ چنان‌که امام‌حسین^(ع) با ذلت، دست بیعت ندادند و در مسیر عزت‌طلبی تا پای جان ایستادگی کردند. امروز هم دنیا

تشنه چنین عزتی است.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان حسین بن علی^(ع) با جریان یزید، هرگز دست‌آشتی نمی‌دهد؛ چون آزادگی اقتضای می‌کند که زیر بار ظلم و فساد نرویم؛ چه

این ظلم از جانب یزید در سال ۶۱ هجری باشد؛ چه از جانب یزیدیان امروز و آینده.

از دیگر شعارهای بین‌المللی و مقبول همه انسان‌ها در عاشورای حسینی، عزتمندی است، «هیْهَاتْ مِثْلَ الذَّلَّةِ، به‌عنوان شعار معروف حضرت اباعبد...^(ع)، ثابت می‌کند که انسان آزاده از ذلت

و خواری فرار می‌کند و فرودست نمی‌شود. مکتب حسین بن علی^(ع) مکتبی است که عزت را برای انسان‌ها به ارمان می‌آورد. این عزتمندی که در کرامت نفس آدمی ریشه دارد، کار را تا جایی

پیش می‌برد که انسان از بذل جان خود هم باکی ندارد و نمی‌هراسد؛ چنان‌که امام‌حسین^(ع) با ذلت، دست بیعت ندادند و در مسیر عزت‌طلبی تا پای جان ایستادگی کردند. امروز هم دنیا

تشنه چنین عزتی است.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان حسین بن علی^(ع) با جریان یزید، هرگز دست‌آشتی نمی‌دهد؛ چون آزادگی اقتضای می‌کند که زیر بار ظلم و فساد نرویم؛ چه

این ظلم از جانب یزید در سال ۶۱ هجری باشد؛ چه از جانب یزیدیان امروز و آینده.

از دیگر شعارهای بین‌المللی و مقبول همه انسان‌ها در عاشورای حسینی، عزتمندی است، «هیْهَاتْ مِثْلَ الذَّلَّةِ، به‌عنوان شعار معروف حضرت اباعبد...^(ع)، ثابت می‌کند که انسان آزاده از ذلت

و خواری فرار می‌کند و فرودست نمی‌شود. مکتب حسین بن علی^(ع) مکتبی است که عزت را برای انسان‌ها به ارمان می‌آورد. این عزتمندی که در کرامت نفس آدمی ریشه دارد، کار را تا جایی

پیش می‌برد که انسان از بذل جان خود هم باکی ندارد و نمی‌هراسد؛ چنان‌که امام‌حسین^(ع) با ذلت، دست بیعت ندادند و در مسیر عزت‌طلبی تا پای جان ایستادگی کردند. امروز هم دنیا

تشنه چنین عزتی است.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان حسین بن علی^(ع) با جریان یزید، هرگز دست‌آشتی نمی‌دهد؛ چون آزادگی اقتضای می‌کند که زیر بار ظلم و فساد نرویم؛ چه

این ظلم از جانب یزید در سال ۶۱ هجری باشد؛ چه از جانب یزیدیان امروز و آینده.

از دیگر شعارهای بین‌المللی و مقبول همه انسان‌ها در عاشورای حسینی، عزتمندی است، «هیْهَاتْ مِثْلَ الذَّلَّةِ، به‌عنوان شعار معروف حضرت اباعبد...^(ع)، ثابت می‌کند که انسان آزاده از ذلت

و خواری فرار می‌کند و فرودست نمی‌شود. مکتب حسین بن علی^(ع) مکتبی است که عزت را برای انسان‌ها به ارمان می‌آورد. این عزتمندی که در کرامت نفس آدمی ریشه دارد، کار را تا جایی

پیش می‌برد که انسان از بذل جان خود هم باکی ندارد و نمی‌هراسد؛ چنان‌که امام‌حسین^(ع) با ذلت، دست بیعت ندادند و در مسیر عزت‌طلبی تا پای جان ایستادگی کردند. امروز هم دنیا

تشنه چنین عزتی است.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان حسین بن علی^(ع) با جریان یزید، هرگز دست‌آشتی نمی‌دهد؛ چون آزادگی اقتضای می‌کند که زیر بار ظلم و فساد نرویم؛ چه

این ظلم از جانب یزید در سال ۶۱ هجری باشد؛ چه از جانب یزیدیان امروز و آینده.

از دیگر شعارهای بین‌المللی و مقبول همه انسان‌ها در عاشورای حسینی، عزتمندی است، «هیْهَاتْ مِثْلَ الذَّلَّةِ، به‌عنوان شعار معروف حضرت اباعبد...^(ع)، ثابت می‌کند که انسان آزاده از ذلت

و خواری فرار می‌کند و فرودست نمی‌شود. مکتب حسین بن علی^(ع) مکتبی است که عزت را برای انسان‌ها به ارمان می‌آورد. این عزتمندی که در کرامت نفس آدمی ریشه دارد، کار را تا جایی

پیش می‌برد که انسان از بذل جان خود هم باکی ندارد و نمی‌هراسد؛ چنان‌که امام‌حسین^(ع) با ذلت، دست بیعت ندادند و در مسیر عزت‌طلبی تا پای جان ایستادگی کردند. امروز هم دنیا

تشنه چنین عزتی است.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان حسین بن علی^(ع) با جریان یزید، هرگز دست‌آشتی نمی‌دهد؛ چون آزادگی اقتضای می‌کند که زیر بار ظلم و فساد نرویم؛ چه

این ظلم از جانب یزید در سال ۶۱ هجری باشد؛ چه از جانب یزیدیان امروز و آینده.

از دیگر شعارهای بین‌المللی و مقبول همه انسان‌ها در عاشورای حسینی، عزتمندی است، «هیْهَاتْ مِثْلَ الذَّلَّةِ، به‌عنوان شعار معروف حضرت اباعبد...^(ع)، ثابت می‌کند که انسان آزاده از ذلت

و خواری فرار می‌کند و فرودست نمی‌شود. مکتب حسین بن علی^(ع) مکتبی است که عزت را برای انسان‌ها به ارمان می‌آورد. این عزتمندی که در کرامت نفس آدمی ریشه دارد، کار را تا جایی

پیش می‌برد که انسان از بذل جان خود هم باکی ندارد و نمی‌هراسد؛ چنان‌که امام‌حسین^(ع) با ذلت، دست بیعت ندادند و در مسیر عزت‌طلبی تا پای جان ایستادگی کردند. امروز هم دنیا

تشنه چنین عزتی است.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان حسین بن علی^(ع) با جریان یزید، هرگز دست‌آشتی نمی‌دهد؛ چون آزادگی اقتضای می‌کند که زیر بار ظلم و فساد نرویم؛ چه

این ظلم از جانب یزید در سال ۶۱ هجری باشد؛ چه از جانب یزیدیان امروز و آینده.

از دیگر شعارهای بین‌المللی و مقبول همه انسان‌ها در عاشورای حسینی، عزتمندی است، «هیْهَاتْ مِثْلَ الذَّلَّةِ، به‌عنوان شعار معروف حضرت اباعبد...^(ع)، ثابت می‌کند که انسان آزاده از ذلت

و خواری فرار می‌کند و فرودست نمی‌شود. مکتب حسین بن علی^(ع) مکتبی است که عزت را برای انسان‌ها به ارمان می‌آورد. این عزتمندی که در کرامت نفس آدمی ریشه دارد، کار را تا جایی

پیش می‌برد که انسان از بذل جان خود هم باکی ندارد و نمی‌هراسد؛ چنان‌که امام‌حسین^(ع) با ذلت، دست بیعت ندادند و در مسیر عزت‌طلبی تا پای جان ایستادگی کردند. امروز هم دنیا

تشنه چنین عزتی است.

درمان همه انسان‌ها خریدار دارد و جزو نیازهای بشری است؛ وقتی که فرمودند: «مثل من با مثل

یزید بیعت نمی‌کند، ایشان با این تعبیر، تأکید می‌کنند که جریان